Scientific Quarterly of Research on Addiction, Vol. 19, No. 75, P 103-134, Spring 2025

Research Article

A Qualitative Study of Parental Control Patterns Based on Glasser's Choice Theory in Young Adults Who Use Substances

Zahra Shakeri[1], Azadeh Choobforoushzadeh[2], Yasser Rezapour- Mirsaleh [3], Kimia Sahraian[4]

Received: 2024/07/27 Accepted: 2025/05/12

Abstract

Objective: The present study aimed to investigate the patterns of parental control among young substance users based on Glasser's choice theory. **Method:** This was a qualitative study that utilized a grounded theory approach. The population for the research included young substance users in Yazd during the winter of 2021. From this population, 10 individuals were selected using purposive snowball sampling. Data was collected through semi-structured interviews. The data was analyzed using three coding methods: open, axial, and selective coding, which ultimately led to the extraction of a paradigmatic model. **Results:** The results indicated the extraction of one central category, 18 main categories, and 71 subcategories. The main categories included parental anxious attachment, parents' unpleasant childhood experiences, parents' inability to have an independent identity, parental perfectionism, parental marital conflicts, parental susceptibility to societal and cultural pressures, financial anxieties, influence and interference from the extended family, children's financial dependency, parents' psychological issues and violation of personal boundaries, improvement of parent-child relationships, identification of supportive patterns and positive parental controls, analysis of parent-child interactions and reciprocal emotions and behaviors, development of communication and parenting skills for substance abuse prevention, family cohesion, and strengthening communication and emotion regulation skills. **Conclusion:** Patterns of parental control, particularly ineffective and strict controls, have negative impacts on the mental and social well-being of children. Therefore, it is essential for parents to use supportive and encouraging methods in their child-rearing processes to help their children develop an independent identity and communication skills. Additionally, educational programs for parents on managing family relationships and reducing controlling behaviors can help prevent addiction problems in young people.

Keywords: Parental control patterns, Substance use, Choice theory, Youth

1. MA. Student, Department of Counseling, Ardakan University, Ardakan, Iran.
2. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Psychology, Ardakan University, Ardakan, Iran. Email: azadechoobforoush@ardakan.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Counseling, Ardakan University, Ardakan, Iran.
4. Assistant Professor, Department of Psychology, Higher Education Center of Eghlid, Eghlid, Iran.

فصلنامه علمی اعتیاد پژوهی، سال نوزدهم، شماره هفتاد و پنجم، ص۱۳۴-۱۰۳، بهار ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

بررسی کیفی الگوی کنترل والدین بر اساس نظریه انتخاب گلاسر در جوانان مصرف‌کننده مواد

زهرا شاکری[۱]، آزاده چوب‌فروش زاده[۲]، یاسر رضاپور میرصالح[۳]، کیمیا صحراییان[۴]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به بررسی الگوی کنترل والدین براساس نظریه انتخاب گلاسر در جوانان مصرف‌کننده مواد پرداخت. **روش:** پژوهش حاضر کیفی و با استفاده از شیوه داده بنیاد بود. جامعه پژوهش حاضر شامل جوانان مصرف‌کننده مواد در شهر یزد در زمستان ۱۴۰۰ بود که از بین آن‌ها ۱۰ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از سه شیوه کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد و در نهایت مدل پارادایمی استخراج شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان‌دهنده استخراج ۱ مقوله محوری، ۱۸ مقوله اصلی و ۷۱ مقوله فرعی بود. مقوله اصلی شامل دلبستگی اضطرابی والدین، تجربیات ناخوشایند دوران کودکی والدین، ناتوانی در داشتن هویت مستقل والدین، کمال‌گرایی والدین و تعارضات زناشویی والدین، تأثیرپذیری والدین از اجتماع و فشارهای فرهنگی حاکم بر آن، اضطراب‌های مالی، نفوذ و دخالت خانواده مبدأ، وابستگی مالی فرزندان، مسائل روانشناختی والدین و تعدی به حریم شخصی، بهبود روابط والدین و فرزندان، شناسایی الگوهای حمایتی و کنترل‌های مثبت والدین، تحلیل تعاملات والد-فرزند و احساسات و رفتارهای متقابل، توسعه مهارت‌های ارتباطی و تربیتی به منظور پیشگیری از مصرف مواد، انسجام خانواده، تقویت مهارت‌های ارتباطی و تنظیم هیجان بود. **نتیجه‌گیری:** الگوهای کنترل والدین، به ویژه کنترل‌های غیر مؤثر و سخت‌گیرانه تأثیرات منفی بر سلامت روانی و اجتماعی فرزندان دارد. بنابراین، ضروری است که والدین در فرآیند تربیت فرزندان خود از روش‌های حمایتی و تشویقی استفاده کنند تا به توسعه هویت مستقل و مهارت‌های ارتباطی آنها کمک نمایند. همچنین، برنامه‌های آموزشی برای والدین در زمینه مدیریت روابط خانوادگی و کاهش رفتارهای کنترل‌گرانه می‌تواند به پیشگیری از مشکلات اعتیاد در جوانان کمک کند.

کلیدواژه‌ها: الگوی کنترل والدین، مصرف مواد، نظریه انتخاب، جوانان

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

۲. نویسنده مسئول: دانشیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. پست الکترونیک: azadechoobforoush@ardakan.ac.ir

۳. دانشیار، گروه مشاوره، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

۴. استادیار، گروه روان‌شناسی، مرکز آموزش عالی اقلید، اقلید، ایران.

مقدمه

سازمان جهانی بهداشت مواد مخدر و روانگردان را به‌عنوان هر نوع ماده‌ای تعریف می‌کند که پس از ورود به بدن می‌تواند بر یک یا چند عملکرد مغز تأثیر بگذارد. مصرف هرگونه ماده مخدر که منجر به آسیب‌های جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی برای فرد مصرف‌کننده یا دیگران شود به عنوان مصرف مواد مشکل‌ساز یا وابستگی به مواد مخدر شناخته می‌شود. عوارض ناشی از این مصرف می‌تواند به طور جدی بر زندگی جسمی و روانی فرد، خانواده و همچنین بر نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه تأثیر بگذارد (خانی‌جیهونی[1] و همکاران، ۲۰۲۱؛ خالدیان و همکاران، ۲۰۲۳).

آمارها نشان می‌دهند که در ایران حدود ۲ میلیون نفر به مواد مخدر وابسته هستند و ۶ میلیون نفر به‌طور تفننی از این مواد استفاده می‌کنند. با این حال، شواهد حاکی از آن است که تعداد واقعی افراد وابسته به مواد ممکن است بسیار بیشتر از این ارقام باشد (پناهی و همکاران، ۲۰۲۴). سن شروع مصرف مواد مخدر در ایران به ۱۴ تا ۱۶ سال رسیده است و نوجوانان و جوانان به عنوان قشر فعال و مولد جامعه به دلیل نارسایی‌های شخصیتی، کنجکاوی، ناپایداری عاطفی و احساسات زودگذر از جمله اصلی‌ترین قربانیان این معضل به‌شمار می‌آیند (حسن‌زاده و جعفرنژاد، ۲۰۲۴).

کشور ما به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی خاص و همچنین مرزهای مشترک با افغانستان با چالش اعتیاد مواجه است. مصرف مواد به بروز جرائم مختلف منجر شده و بیش از نیمی از زندانیان به نوعی با پدیده اعتیاد مرتبط هستند. این معضل نه تنها سلامت مغز نوجوانان و جوانان را تهدید می‌کند، بلکه آینده‌سازان کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. عدم وجود اقدامات پیشگیرانه مؤثر این کشور را در معرض گسترش اعتیاد و وابستگی به مواد قرار داده و هزینه‌های مرتبط با مراقبت‌های بهداشتی ناشی از این معضل بسیار سنگین است. بنابراین، تلاش‌های پیشگیرانه کاملاً ضروری و غیرقابل انکار به‌نظر می‌رسد (اصلان و اونال[2]، ۲۰۲۴). درمان اعتیاد و شکستن چرخه معیوب آن فرآیندی پرهزینه و دشوار است که نیازمند یک سیستم درمانی جامع با رویکردهای متنوع شامل

1. Khani Jeihooni
2. Aslan & Önal

سال نوزدهم، شماره ۷۵، بهار ۱۴۰۴
Vol. 19, No. 75, Spring 2025

دارودرمانی، روان‌درمانی، بازپروری و بازتوانی می‌باشـــد. با این حال، حتی مؤثرترین روش‌های درمان نیز نرخ عود بالایی دارند. بنابراین، در چنین شـــرایطی پیشـــگیری به طور منطقی به عنوان جایگزینی برای درمان مطرح می‌شـــود (شـــاکری و همکاران، ۲۰۲۰). پیشگیری از ابتلای افراد جامعه به مصـرف مواد نه تنها مانع از تحمیل هزینه‌های سـنگین به جامعه می‌شـــود، بلکه از بروز بیماری‌هایی مانند ایدز و کاهش بهره‌وری در محیط کار جلوگیری کرده و به کاهش جرم و جنایت کمک می‌کند. همچنین، این اقدامات می‌توانند نســـل آینده را از خطرات جدی محافظت نماینـد (قبادی و همکاران، ۲۰۲۰؛ داوودی دهقانی، ۲۰۲۲).

بنابراین به منظور پیشگیری و درمان مبتلایان به اعتیاد خصوصاً در قشر جوان به عنوان یکی از اقشـار آسـیب‌پذیر جامعه که در معرض ابتلاء به این عارضـه هسـتند، بررسـی نقش خانواده که نهاد تربیتی و نظارتی مهمی‌در جامعه می‌باشـــد (معرفت و همکاران، ۱۴۰۱) و مطابق با نظریه‌های زیسـت بوم‌شـناختی، قویترین تأثیر را بر رفتار مصـرف مواد در جوانان دارند (تروسو[1]، ۲۰۲۰)، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کیفیت روابط اعضای خانواده، یکی از مفاهیمی اسـت که در دهه‌های اخیر ذهن روان‌شـناسـان مثبت‌گرا را به خود جلب کرده‌است. گلاسر[2] به عنوان بنیانگذار رویکرد تئوری انتخاب و واقعیت درمانی با تأکید بر اهمیت انتخاب فردی و مسئولیت‌پذیری به بررسی الگوهای کنترل والدین می‌پردازد و بیان می‌کند که افراد توانایی انتخاب پاسخ‌های خود را نسبت به محیط و شـرایط زندگی خود دارند و این الگوها ممکن اسـت بر این انتخاب‌ها تأثیر بگذارند. او دو نوع روانشـناسـی را معرفی می‌کند: روانشـناسـی کنترل بیرونی[3] و روانشـناسـی کنترل درونی[4]. افرادی که به کنترل بیرونی اعتقاد دارند خود را فاقد قدرت بر رفتارهایشان می‌دانند، در حالی که کسانی که به کنترل درونی باور دارند معتقدند که می‌توانند رفتارهای خود را انتخاب کنند و در صورت عدم رضایت از نتایج تغییراتی در رفتار خود ایجاد کنند (گلاسر، ۲۰۱۹).

1. Trucco
2. Glasser
3. external control psychology
4. internal control psychology

اکثر والدین با نیت خیر اقدام به کنترل فرزندان خود می‌کنند، اما غافل از اینکه پیامدهای استفاده از کنترل متفاوت است. فگان[1] و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای بر روی ۷۳۴۹ دانش‌آموز سال دهم نشان دادند که همه انواع کنترل والدین به طور معناداری با استفاده از مواد مخدر نوجوانان مرتبط است. به طور خاص، کنترل‌های ابزاری (مانند استراتژی‌های مدیریت والدین) تأثیرات متفاوتی بر استفاده از مواد داشتند، در حالی‌که کنترل‌های احساسی (مانند پیوند والد-کودک) تأثیرات یکسانی در کاهش مصرف مواد داشتند. این تحقیق همچنین نشان داد که نوجوانانی که در جوامع با ریسک بالاتر قرار داشتند بیشتر تحت تأثیر نگرش‌های مثبت والدین نسبت به مصرف مواد قرار گرفتند. پتانون[2] و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود برای ارزیابی سبک‌های فرزندپروری دو بعد مراقبت و کنترل را اندازه‌گیری کردند و از ترکیب این دو بعد چهار سبک فرزندپروری بهینه، کنترل محبت‌آمیز، کنترل بی‌عاطفه و غفلت‌آمیز را تعریف کردند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که مصرف‌کنندگان کوکائین و کراک بیشتر احتمال دارد که درک منفی از پیوند با والدین خود داشته باشند. به طور خاص، آن‌ها اغلب مادران خود را غفلت‌کار و پدران خود را کنترل‌گر و بی‌عاطفه توصیف کردند. در مقابل، گروه کنترل عموماً پیوند بهینه‌تری با والدین خود گزارش دادند. در پژوهش شک[3] و همکاران (۲۰۲۰) نشان داده شد که کنترل رفتاری پدر و مادر و کیفیت رابطه والدین- فرزندان از پیش‌بینی‌کننده‌های منفی سطوح اولیه مصرف مواد هستند، درحالی‌که کنترل روان‌شناختی والدین پیش‌بینی‌کننده قابل توجهی برای نرخ رشد مصرف مواد نبود. همچنین، یافته‌های پژوهش مارتینز[4] و همکاران (۲۰۲۰)، نشان داد که اعتیاد به اینترنت با کنترل والدین رابطه عکس دارد. در پژوهش دیگری، یافته‌ها حاکی از یک ارتباط مثبت مستقیم میان کنترل روانی و اضطراب والدین بود، درحالی‌که یک ارتباط معکوس میان کنترل والدین با رفتار نوشیدن الکل گزارش شد (اینگوگلیا[5] و همکاران، ۲۰۲۲). براساس پژوهش پلهام[6] و همکاران (۲۰۲۴)، نظارت والدین می‌تواند به طور مستقیم از مصرف مواد جلوگیری کند. آن‌ها در مطالعه‌ای

1. Fagan
2. Pettenon
3. Shek
4. Martins
5. Inguglia
6. Pelham

بر روی ۴۵۰۳ نوجوان نشان دادند که نظارت والدین نه تنها احتمال آگاهی از مصرف مواد را افزایش نمی‌دهد، بلکه می‌تواند نوجوانان را از استفاده از مواد بازدارد، زیرا آن‌ها از عواقب احتمالی آگاه هستند. همچنین، رشیدیان و همکاران (۲۰۲۲) نیز در پژوهشی نشان داد که افزایش نظارت والدین می‌تواند در نهایت منجر به کاهش مصرف مواد شود.

تحقیقات موجود نشان‌دهنده اهمیت کنترل والدین و تأثیر آن بر رفتارهای جوانان به ویژه در زمینه مصرف مواد مخدر است. با این حال، هنوز درک جامعی از رابطه بین الگوهای کنترل بیرونی والدین، مصرف مواد و سلامت روان در میان جوانان وجود ندارد. الگوهای کنترل والدین، به ویژه کنترل‌های نامناسب، می‌توانند به بروز مشکلات روانی و اجتماعی در فرزندان منجر شوند که یکی از نتایج آن افزایش خطر اعتیاد به مواد مخدر است. با توجه به اینکه جولانان به عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها در معرض این مشکلات قرار دارند، شناسایی و تحلیل الگوهای کنترل والدین می‌تواند به پیشگیری و درمان اعتیاد کمک کند.

ضرورت این پژوهش نه‌تنها در شناسایی تأثیرات منفی کنترل والدین بر رفتارهای جوانان، بلکه در ارائه راهکارهایی برای بهبود روابط خانوادگی و کاهش مشکلات اجتماعی نهفته است. بررسی این موضوع با استفاده از نظریه انتخاب گلاسر که بر اهمیت انتخاب‌های فردی و تأثیرات آن بر روابط انسانی تأکید دارد می‌تواند به درک بهتر از چگونگی شکل‌گیری رفتارهای اعتیادی کمک کند. این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران و متخصصان حوزه روانشناسی کمک کند تا برنامه‌های مؤثری برای حمایت از خانواده‌ها و جوانان طراحی کنند و از بروز آسیب‌های اجتماعی جلوگیری نمایند. بنابراین، این مطالعه کیفی با هدف بررسی الگوهای کنترل والدین براساس کنترل بیرونی از نظریه انتخاب گلاسر در جوانان مصرف‌کننده مواد انجام شده‌است. اهداف خاص مطالعه به شرح زیر بود:

ماهیت و میزان الگوهای کنترل بیرونی والدین که توسط جوانان مصرف‌کننده مواد در چارچوب نظریه انتخاب گلاسر تجربه می‌شود؛ ارتباط بالقوه بین الگوهای کنترل بیرونی والدین و مصرف مواد در بین جوانان؛ پیامدهای روان‌شناختی الگوهای کنترل بیرونی

والدین بر مصـــرف‌کنندگان مواد جوان و ســـلامت روان آن‌ها؛ تأثیرات بالقوه الگوهای کنترل بیرونی والدین بر روابط خانوادگی و پویایی در زمینه مصـــرف مواد. این مطالعه با تمرکز بر نقش الگوهای کنترل بیرونی در محیط خانواده، به دانش موجود در مورد عوامل مؤثر در مصـرف مواد جوانان و چالش‌های سـلامت روان کمک می‌کند. همچنین، مبنایی برای توســعه مداخلات و اســتراتژی‌های مناســبی فراهم می‌کند که تأثیر الگوهای کنترل والدین و انتخاب‌های فردی را در رســیدگی به مصـــرف مواد و ارتقای رفاه جوانان در چارچوب خانواده‌شان در نظر می‌گیرد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع کیفی مبتنی بر تئوری زمینه‌ای یا داده بنیاد بود. جامعه پژوهش شامل همه جوانان مصـــرف‌کننده مواد شـــهر یزد در زمســـتان ســـال ۱۴۰۰ بودند. اعضـــا با روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی انتخاب شـــدند. ملاک‌های ورود در این پژوهش شامل قرارداشتن در محدوده سنی ۱۸ تا ۳۰ سال، گذشتن حداقل یک سال از مصرف مواد در فرد و ملاک خروج شـامل عدم رضـایت فرد به ادامهٔ مشـارکت در پژوهش بود. وجود اختلافات زناشویی یا طلاق در والدین فرد به‌عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شد.

روش جمع‌آوری داده‌ها، مصـــاحبه نیمه‌ســـاختاریافته بود که ســـؤالات آن بر مبنای چالش‌های ذهنی پژوهشـگر و با اسـتفاده از نظرات متخصـصـان آگاه به موضـوع براسـاس هدف پژوهشـــی طراحی و مورد اسـتفاده قرار گرفت. همچنین، روایی سـؤالات با در نظر گرفتن نظر اساتید صاحب‌نظر مورد بررسی قرار گرفت. مصاحبه‌ها تا ۸ نفر انجام شد و پس از آن‌که حالت اشـــباع اتفاق افتاد و پاســـخ‌ها در ۹۵٪ موارد تکراری بودند، برای اطمینان مصاحبه با دو مصاحبه‌شونده دیگر ادامه یافت و در مجموع با ۱۰ نفر مصاحبه انجام شد.

روش پژوهش حاضر نظریه داده بنیاد بود و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از طرح تحلیل سـیسـتماتیک اسـتفاده شـد. در مرحله اول (کدگذاری باز)، مصـاحبه‌ها دسـته‌بندی شـد و مقوله‌ها یا همان کلید واژه‌های اصـــلی از آن اســـتخراج شـــد و در مرحله بعد (کدگذاری محوری) این مقوله‌ها دســـته‌بندی شـــد. در ابتدا یکی از طبقه‌ها را به‌عنوان پدیده محوری

انتخاب شد و در ادامه ارتباط سایر طبقه‌ها را با آن مشخص شد. اعتبار داده‌ها مبتنی بر ۴ معیار اعتبار پژوهش نظریه داده بنیاد شامل تناسب، مرتبط بودن، مؤثر واقع شدن و کاربرد پذیری، و قابلیت اصلاح استوار است. جهت اعتبار نتایج، نتایج با مصاحبه‌شوندگان به اشتراک گذاشته شد تا نظرات خود را اعلام نمایند. علاوه بر این، برای افزایش پایایی، نتایج در اختیار محققینی قرار گرفت که در پژوهش مشارکت نداشتند که بررسی شود آیا درک آنها نسبت به یافته‌های به دست آمده مشابه محقق و مصاحبه شوندگان است یا خیر؟ که مورد تایید قرار گرفت.

پدیده محوری یعنی مهم‌ترین عاملی که در فرآیند مورد نظر از نظر پژوهشگر نقش داشته است. دسته‌بندی مقوله‌های دیگر در ۵ طبقه با توجه به ارتباط آن‌ها با پدیده محوری انجام شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر به بررسی الگوهای کنترل والدین در جوانان مصرف‌کننده مواد براساس نظریه انتخاب گلاسر پرداخته شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۰ شرکت‌کننده استفاده شد که از میان جوانان مصرف‌کننده مواد در شهر یزد انتخاب شدند. در ادامه، اطلاعات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان شامل سن، سابقه درگیری با اعتیاد و نوع مواد مصرفی ارائه شده است (جدول ۱).

جدول ۱: اطلاعات جمعیت شناختی

ردیف	سن	سابقه درگیری با اعتیاد	نوع مواد مصرفی
۱	۲۳	۶ سال	ماری‌جوانا،LSD، ماشروم
۲	۲۴	۷ سال	هروئین
۳	۲۶	۳ سال	تریاک، شیره، ترامادول
۴	۲۱	۴ سال	ماری‌جوانا، LSD
۵	۲۳	۸ سال	ماری‌جوانا، اسنیف ریتالین و خوردن برخی داروها
۶	۳۰	۹ سال	تریاک، حشیش
۷	۲۸	۲ سال	شیشه
۸	۲۲	۳ سال	ماری‌جوانا، ماشروم
۹	۳۰	۴ سال	کوکائین
۱۰	۲۱	۳ سال	ماری‌جوانا، ماشروم، لین

مصـاحبه شـوندگان طی پاسـخ به سـوالات، مصـادیق و توضـیحاتی را بیان کردند که براساس تجزیه و تحلیل آن‌ها عوامل اثرگذار بر کنترل‌گری والدین در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با کنترل‌گری والدین

مقوله	مفاهیم	عبارات
دلبستگی اضطرابی والدین	غیرقابل پیش‌بینی بودن، بیش‌حمایتگری و نشخوار فکری	هیچوقت نمی‌دانستم چه زمانی باید اجازه بگیرم و چه زمانی نه/ آن‌ها قوانین را دائم تغییر می‌دادند/ گاهی همه چیز ممنوع بود و گاهی اجازه کامل داشتم/ فکر می‌کردم به من اعتماد ندارند که بتوانم از پس زندگی برآیم/ هر جا که می‌رفتم یکی از آن‌ها باید همراه من می‌بود/ آن‌ها حتی دوستانم را هم انتخاب می‌کردند/ نمی‌توانند از اشتباهاتشان بگذرند/ همیشه به این فکر می‌کنند که چرا این اتفاق افتاده/ تمام مدت به کارهایی که در گذشته انجام دادند فکر می‌کنند
تجربیات ناخوشایند دوران کودکی	محرومیت هیجانی، تجربه تنبیه فیزیکی و عاطفی، ازدواج زودهنگام و تعارضات زناشویی در خانواده مبدأ	شرایط کودکی برای پدر و مادرم ناهموار بوده/ شرایط بهم ریخته‌ای درخانواده داشتند/ هیچ کسی در خانواده آن‌ها به آن‌ها اهمیت نمی‌دهد/ مامانم چندین بار کتک خورده/ پرخاشگری و کتک‌کاری در خانواده آن‌ها همیشه بوده/ بابام همیشه مامانم را سرزنش می‌کنه/ مادرم سنین پایین ازدواج کرده/ همیشه مامانم میگه با اجبار به ازدواج تو سن کم بدبختم کردند/ سنم کم بود و روی هیچ چیزی نمی‌تونستم کنترل داشته باشم/ همیشه در خانوادشون دعوا و بحث هست/ پدر بزرگ و مادربزرگم هم رابطه خوبی باهم ندارند/ کلاً خانواده دعوایی هستند سر کوچکترین مسائل هم دعوا دارند
ناتوانی در داشتن هویت مستقل والدین	جابه‌جایی نقش در خانواده، الگوگیری از والدین/ داشتن باورهای شرطی	بابام یه جورایی نقش پدر برای پدر و مادرش داره و فکر می‌کنم همین حس به منم داره منتقل می‌کنه و ازم انتظار داره/ پدر مادرم ازم انتظار دارند ازشون همه جوره حمایت کنم/ پدر و مادرم ازم میخوان سبک زندگی اونا رو انتخاب کنم/ سخت‌گیری‌های الکی داره بابام/ بابا و مامانم خیلی تحت فشار از جانب خانواده برای موفق شدن بودن و همون سختگیری‌ها رو برای منم دارن پیاده می‌کنند/ تابستون مجبور بودم کار کنم تا رشد کنم به عقیده بابام/ پدر و مادرم فقیر بودند الان ازم حمایت نمی‌کنند تا منم از صفر شروع کنم
کمال‌گرایی	معیارهای سخت‌گیرانه و غیرمنعطف، انتظارات مبالغه‌آمیز، توقع بی‌عیب و نقص بودن، عیب‌جویی افراطی	پدرم آدم سختگیری بود/ پدرم دوست داشت تمام چیزها براساس علاقه ایشون باشه/ من حق ندارم از یه ساعتایی بیشتر بیرون از خونه باشم/ من هیچوقت حق نداشتم مثل یک کودک رفتار بکنم/ همیشه انتظار دارند مثل یه آدم جا افتاده و بزرگ رفتار کنم/ نسبت به سنم همیشه باید بزرگتر رفتار کنم/ اجازه اشتباه کردن هیچ وقت بهم ندادند/ توقع دارند همیشه رفتار خوب و بی‌عیب داشته باشم/ باید

جدول ۲: مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با کنترل‌گری والدین

مقوله	مفاهیم	عبارات
		کل وقتم تو خونه باشم و بیرون نرم و درس بخوونم/ همیشه انتظار داشتند باید تو خونه و کنار خواهرم باشم اگر بیرون می‌رفتم خطاکار بودم
تعارضات زناشویی	ناهمگنی سبک تربیتی والدین و نداشتن رضایت زناشویی	مامانم از لحاظ اعتقادی زیاد قوی نیست/ بابام خیلی مقیده/ مامان و بابام فکرشون با هم هیچ وقت یکی نیست و همیشه با هم اختلاف نظر دارند/ رابطه پدر و مادرم با هم صمیمی نیست/ اختلاف سنی شون زیاده برای همین نمی‌تونند با هم ارتباط برقرار کنند/ پدرم شهر دیگه کار می‌کنه و ما زیاد ندیدیمش
تأثیرپذیری والدین از اجتماع و فشارهای فرهنگی حاکم بر آن	نا امنی جامعه، تحمیل ارزش‌های آموخته‌شده و نادیده‌گرفتن تفاوت بین نسلی، ترس از به خطر افتادن آبرو، همرنگی با جماعت، مردسالاری	مامان و بابام همه چیز من رو زیر نظر دارند/ محیط خیلی وحشتناکه/ پدر و مادرم روی من خیلی تسلط دارند/ تو فامیل ما بچه‌ها همه پاستوریزه‌اند من حتی اجازه نداشتم الکل مصرف کنم/ شغل پدر و مادر من یه جوریه که میگن آبرو و شغلشون به عملکرد من بستگی داره/ پدرم به خاطر آبروش روی ما کنترل داره/ بابام به شدت جوگیره و تحت تأثیر بقیه قرار می‌گیره/ تو خونه پدرم همه چی محدود میشه به تصمیماتش
اضطراب‌های مالی	وضعیت بد اقتصادی، ورشکستگی	وضعیت اقتصادیمون بد بود ولی الان بهتر شده/ بابام از فقر و بدبختی به اینجا رسیده/ بابام از وقتی ورشکست شد اخلاقش کلاً تغییر کرد/ ورشکستگی کلاً روی روابط خانواده اثر گذاشته
نفوذ و دخالت خانواده مبدأ	اثرپذیری والدین از دیگران، وابستگی به خانواده مبدأ، انتقال اضطراب بین نسلی	مامان و بابام خیلی تحت تأثیر دیگرانند/ مامانم حرف بقیه رو خیلی زود قبول می‌کنه/ خاله من خیلی روی مامانم اثر داره/ خانواده مهم‌ترین رکن برای مامان و بابام هست/ نمیتونم تصور کنم که مامانم از خانوادش جدا بشه/ پدربزرگم به بابام میگه حواست باشه بچه‌ها وابسته به مواد نشن
وابستگی مالی	باج دادن مالی، جلوگیری از استقلال فرزندان	مامان بابام خیلی روی هزینه‌های من حساسند و فکر می‌کنند چون وضعشون خوبه میتونن من رو هم با پول کنترل کنند/ دلم میخواد دور باشم ازشون و کلاً مستقل باشم ولی نمیذارند
مسائل روانشناختی والدین	وسواس، اضطراب، نداشتن خودمتمایزسازی، عدم ثبات هیجانی	مامان و بابای من وسواسند/ والدین من هر دوشون اضطراب دارند/ عقاید والدین من خیلی پوسیده هست و به شدت از استرس گرفتن من استرس می‌گیرند/ در مقابل فشار عصبی من، متقابلاً پرخاش می‌کنند و این باعث بحث و جدل میشه/ گاهی اوقات در مقابل اشتباهات من، من رو کتک میزنند و گاهی اوقات هم سکوت می‌کنند
تعدی به حریم شخصی	تحمیل عقاید مذهبی، نادیده گرفتن فردیت،	مامانم خیلی مذهبیه و برای من همیشه برنامه میذاره ولی من دوست ندارم تو این چیزا باشم/ مامان بابام فکر می‌کنند اگر برای من هدف بذارن من موفق میشم/

جدول ۲: مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با کنترل‌گری والدین

مقوله	مفاهیم	عبارات
	چک کردن مداوم، نبود حریم خصوصی	دوست دارم یه بار بذارن من کار خودم رو بکنم/ والدین من کلاً گوشی من رو مال خودشون می‌دونند و مدام چک می‌کنند/ مامان و بابام مدام اتاقم رو میگردن و موقعیت مصرف تو خونه ندارم
محرومیت و تنبیه	تخریب عزت نفس، حمایت‌های مالی نا ایمن، محرومیت از دلخوشی‌ها، ایجاد ترس و اضطراب، تنبیه بدنی	پدرم منو به رسمیت نمیشناسه/ اولویت آخر پدر و مادرم هستم/ پول تو جیبیم رو سر بزنگاه‌ها قطع می‌کنند/ والدین من برای رسیدن به خواسته‌هاشون از هر چیزی استفاده می‌کنند/ من رو میخواد ادب کنه ایکس باکس رو ازم می‌گیره/ بابام یه شخصیتی داره خیلی ازش می‌ترسم زنگ میزنه دست و پام میلرزه/ با کوچکترین اتفاق منو تنبیه می‌کنه و کتک میزنه/ پدرم یه بار منو بدجوری زد به طوری که از ترس ادرار کردم
توسل به زور و اجبار و گرفتن آزادی و اختیار شخصی	تجاوز به حریم دوستانه، عدم آزادی بیان، تماس‌های مکرر، جبر حضور در جمع فامیلی، واسطه کردن دیگران	همیشه دوستام رو کنترل می‌کنند. میخوان بدونن من با کی میگردم/ دوستام رو برای مهمونی‌ها همیشه باید دعوت کنم خونه/ پدر و مادرم در خونه یکی از دوستام رفته بودند/ نمی‌تونم جلوی پدر و مادرم بایستم چون از همه چیز محروم میشم/ بابام بعضی وقت‌ها بهم زنگ میزنه و سعی می‌کنه ببینه من کجام و چیکار می‌کنم/ بابام اصرار داره من تو همه جمع‌های خانوادگی و فامیلی باشم/ بابام برای رسیدن به اهداف خودش از آدم‌های مختلف استفاده می‌کنه/ وقتی مشکلی پیش میاد یکی از دایی‌هام بهم زنگ میزنه و نصحیتم می‌کنه
سوءاستفاده عاطفی	دادن احساس شرم و گناه، درگیری با هیجانات متناقض، طرد عاطفی	ماهی یک بار حداقل دو هفته با پدر و مادرم قهرم/ پدر بزرگم همیشه وقتی میرم پیشش گلایه های مامان و بابام رو بهم منتقل می‌کنه/ بزرگترین چالشم دوگانگی رفتارم با والدینم هست هم دوسشون دارم و هم میخوام باهاشون قطع رابطه کنم
غفلت و مسامحه نسبت به نیازهای اساسی	بی‌توجهی، انتقال حس عدم صلاحیت، دادن حس بی‌ارزشی، توجه مثبت مشروط	مامان و بابام منو با بی‌توجهی کنترل می‌کنند/ خودمو می‌کشم تا بهم توجه کنند از بچگی همینجوری باهام رفتار کردند/ پدر و مادرم من رو فاقد صلاحیت تصمیم‌گیری می‌دونند/ تو کوچیکی دلیلی نداره تو جمع بزرگا باشی/ همیشه من یه نقصی دارم و منو کنترل کردند/ تو هیچ زمینه‌ای من رو تشویق نکردند/ من باید در سریع‌ترین زمان ممکن به توجه و تشویق‌شون جواب بدم و صبر نمی‌کنند
گسلش عاطفی	میل به روابط دوستی، تجربه پذیرش بی‌قید و شرط خارج از خانواده، تمایل به زندگی بدون والدین، نبود حریم	دوست دارم با دوستام باشم/ رفتارم در مقابل دوستام با خانوادم فرق داره/ من خودم هستم تو جمع دوستام/ پدر و مادرم درکی از حریم خصوصی ندارند/ هیچ احساس مثبتی از زندگی کردن با بابا و مامانم دریافت نمی‌کنم/ خیلی دلم میخواد از خونه فرار کنم/ پدر و مادرم حریم خصوصی ندارند و دلم میخواد ازشون جدا زندگی کنم

جدول ۲: مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده مرتبط با کنترل‌گری والدین

مقوله	مفاهیم	عبارات
	خصوصی، نبود جو عاطفی مثبت در خانواده، میل به رهایی از اسارت خانواده	
ضعف در مهارت‌های ارتباطی	ناتوانی در نه گفتن، ناتوانی در ابراز هیجان، میل به کنترلگری، نبود عزت نفس، تمایل به پیش بینی رفتار دیگران، انزوای اجتماعی	هیچوقت نتونستم نه بگم/ هیچوقت نتونستم هیجان خودم رو درست ابراز کنم/ توی روابط عاطفی همش میخوام کنترل کنم بقیه رو/ کنترل والدینم باعث میشه نتونم با کسی ارتباط برقرار کنم/میلم به پیش‌بینی رفتار دیگران بالاست/هیچوقت خودم رو به هیچ گروهی متعلق ندونستم
عدم تنظیم هیجان	میل به رفتارهای پرخطر برای هیجان‌خواهی، عدم مرزبندی در روابط، ابرازمنفعلانه هیجان، باور به عدم آسیب پذیری خود، پرخاشگری، ناتوانی در حل مسئله کارآمد	هر نوع موادی که بگید از همون نوجوانی استفاده کردم/ همیشه دوست دارم دیگران رو بتونم به سمت این بیارم که راحت رفتار کنند/ مامان من سعی می‌کنه من رو جوجه ماشینی بار بیاره ولی من با مصرف مواد جبران کردم/ من فکر می‌کردم درگیر نمیشم با مواد ولی خوب شدم/ سر و صدای من خیلی زیاده و مدام دوست دارم خشم و اضطرابم رو بیرون بریزم/ کلاً غمگین و افسرده‌ام و دلم میخواد مواد بزنم تا شاد شم/ مشروب خوردن احساس قدرت زیادی بهم میده

پس از تحلیل داده‌های مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با جوانان مصرف‌کننده مواد در شهر یزد، ۱ مقوله محوری، ۱۸ مقوله اصلی و ۷۱ مقوله فرعی استخراج شد. نتایج حاصل از فرایند تحلیل و کدگذاری داده‌ها در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: مضامین استخراج شده از محتوای مصاحبه با نمونه مورد پژوهش

پدیده مرکزی	کدگذاری محوری	مقوله اصلی	مقوله فرعی
کنترل گری والدین	شرایط علی کنترل والدین	دلبستگی اضطرابی والدین	غیرقابل پیش‌بینی بودن، بیش‌حمایتگری، نشخوار فکری
		تجربیات ناخوشایند دوران کودکی والدین	محرومیت هیجانی، تجربه تنبیه فیزیکی و عاطفی، ازدواج زودهنگام، تعارضات زناشویی در خانواده مبدأ
		ناتوانی در داشتن هویت مستقل والدین	جابه‌جایی نقش در خانواده، الگوگیری از والدین، داشتن باورهای شرطی
		کمال‌گرایی	معیارهای سخت‌گیرانه و غیرمنعطف، انتظارات مبالغه‌آمیز، توقع بی‌عیب و نقص بودن، عیب‌جویی افراطی
	شرایط زمینه‌ای کنترل والدین	تعارضات زناشویی	ناهمگنی سبک تربیتی والدین، نداشتن رضایت زناشویی
		تأثیرپذیری از اجتماع وفشارهای فرهنگی حاکم بر آن	ناامنی جامعه، تحمیل ارزش‌های آموخته‌شده و نادیده گرفتن تفاوت بین نسلی، ترس از به خطر افتادن آبرو، همرنگی با جماعت، مردسالاری
		اضطراب‌های مالی	وضعیت بد اقتصادی، ورشکستگی
	شرایط مداخله‌ای کنترل والدین	نفوذ و دخالت خانواده مبدا	اثرپذیری والدین از دیگران، وابستگی به خانواده مبدا، انتقال اضطراب بین نسلی
		وابستگی مالی	باج دادن مالی، جلوگیری از استقلال فرزندان
		مسائل روانشناختی والدین	وسواس، اضطراب، نداشتن خودمتمایزسازی، عدم ثبات هیجانی
		تعدی به حریم شخصی	تحمیل عقاید مذهبی، نادیده گرفتن فردیت، چک کردن مداوم، نبود حریم خصوصی
	راهبردها	بهبود روابط والدین و فرزندان	تخریب عزت نفس، حمایت‌های مالی ناایمن، محرومیت از دلخوشی‌ها، ایجاد ترس و اضطراب، تنبیه بدنی

جدول ۳: مضامین استخراج شده از محتوای مصاحبه با نمونه مورد پژوهش

پدیده مرکزی	کدگذاری محوری	مقوله اصلی	مقوله فرعی
		شناسایی الگوهای حمایتی و کنترل‌های مثبت والدین	تجاوز به حریم دوستانه، عدم آزادی بیان، تماس‌های مکرر، جبر حضور در جمع فامیلی، واسطه کردن دیگران
		تحلیل تعاملات والد-فرزند و احساسات و رفتارهای متقابل	دادن احساس شرم و گناه، درگیری با هیجانات متناقض، طرد عاطفی
		توسعه مهارت‌های ارتباطی و تربیتی به منظور پیشگیری از مصرف مواد	بی‌توجهی، انتقال حس عدم صلاحیت، دادن حس بی‌ارزشی، توجه مثبت مشروط
	پیامدها	انسجام خانواده	گسلش عاطفی، میل به روابط دوستی، تجربه پذیرش بی‌قید و شرط خارج از خانواده، تمایل به زندگی بدون والدین، نبود حریم خصوصی، نبود جو عاطفی مثبت در خانواده، میل به رهایی از اسارت خانواده
		تقویت مهارت‌های ارتباطی	ضعف در مهارت‌های ارتباطی، ناتوانی در نه گفتن، ناتوانی در ابراز هیجان، میل به کنترل‌گری، نبود عزت نفس، تمایل به پیش‌بینی رفتار دیگران، انزوای اجتماعی
		تنظیم هیجان	عدم تنظیم هیجانی، میل به رفتارهای پرخطر برای هیجان‌خواهی، عدم مرزبندی در روابط، ابراز منفعلانه هیجان، باور به عدم آسیب‌پذیری خود، پرخاشگری، ناتوانی در حل مسئله کارامد

در ادامه، مفاهیم طبقات مختلف بررسی و تشریح شده است.

شرایط علی کنترل‌گری والدین شامل پنج مقوله اصلی دلبستگی اضطرابی والدین، تجربیات ناخوشایند دوران کودکی والدین، ناتوانی در داشتن هویت مستقل والدین، کمال‌گرایی، و تعارضات زناشویی بود.

الف) **دلبستگی اضطرابی والدین** دارای سه مقوله فرعی «غیرقابل پیش‌بینی بودن» [با اینکه خودشون اجازه میدن من شب بیرون و خونه دوستم بمونم فردا که من میام یه بحث و دعوای صد درصدی ما تو خونه داریم]؛ «بیش حمایت‌گری» [یکی از ویژگی‌های بدشون اینه که خیلی رفتارهای به ظاهر از روی دوست داشتن دارن و در باطن مخرب]؛ و «نشخوار فکری» [بچگی خیلی نامیزونی داشته مامانم، برای همین همیشه در حال فکر کردن به بدترین اتفاقاتی هست که ممکنه برام بیفته و قشنگ مشخصه که دائم مضطربه] بود.

ب) **تجربیات ناخوشایند دوران کودکی وللدین** شامل چهار مقوله فرعی «محرومیت هیجانی» [شرایط کودکی ناهموار بوده برای مامان و بابام ...مامانم شرایط بهم ریخته‌ای رو در خانواده تجربه کرده]؛ «تجربه تنبیه فیزیکی و عاطفی» [مامانم چندین‌بار خودش کتک‌های زیاد خورده ... بابا بزرگم هنوز هم بابام رو سرزنش میکنه توی مسائل مختلف]؛ «ازدواج زود هنگام» [مادرم برای ازدواج توی سن پایین خیلی شاکی بود و همیشه میگفت والدینم منو بدبخت کردند]؛ و «تعارضات زناشویی در خانواده مبدا» [پدر بزرگ و مادر بزرگم هم هیچ رابطه خوبی نداشتند هیچ وقت، همیشه دعوا داشتن] بود.

پ) **ناتوانی در داشتن هویت مستقل والدین** شامل سه مقوله فرعی «جابه‌جایی نقش در خانواده» [بابام یه جورایی بابای پدر و مادرش هم هست و همین حس رو داره و به منم منتقل میکنه و ازم انتظار داره]؛ «الگوگیری از والدین» [مامان و بابام از طرف خانواده شون خیلی فشار داشتند برای موفق شدن... مامان و بابام کاملاً یه سبکی رو توی زندگی تجربه کردن که میخوان همون رو روی من پیاده کنند]؛ و «داشتن باورهای شرطی» [از دبستان مجبور بودم تابستونا کار کنم، مامان بابام چون خودشون فقیر بودن ولی الان پول دارن میخان منم از همین فقر رشد کنم] بود.

ج) **کمال‌گرایی** شامل چهار مقوله فرعی «معیارهای سخت‌گیرانه و غیرمنعطف» [پدرم آدم سخت‌گیری بود و همیشه دوست داشت تمام چیزها براساس علاقه ایشون باشه ...تا پارسال که من هنوز هجده سالم نشده بود، من زمستونا تا ساعت نه و تابستونا تا ساعت ده بیشتر حق نداشتم که بیرون باشم]؛ «انتظارات مبالغه‌آمیز» [من هیچ وقت حق نداشتم مثل

یک کودک رفتار بکنم، هیچ وقت حق نداشتم مثل یک کودک حرف بزنم و همیشه از من توقع داشتن که مثلاً من پنج سالمه باید مثل یک آدم پونزده ساله یا اگه پانزده سالمه باید مثل یه آدم سی ساله رفتار بکنم]؛ «توقع بی‌عیب و نقص بودن» [اجازه اشتباه کردن به من هرگز داده نمی‌شد همون جوری که در اول حرفام گفتم پدر من از من توقع یک انسانی بیست سال بزرگ‌تر از سنم داشتن]؛ و «عیب‌جویی افراطی» [انتظاری که بابام ازم داره اینه که کنار خواهرام باشم، سعی کنم کل وقتم رو توی خونه باشم و بیرون نرم، فقط درس بخونم اما همیشه از من گله داشتند حتی الان که خیلی تغییر کردم و بیشتر همش توی خونم] بود.

چ) **تعارضات زناشویی** شامل دو مقوله فرعی «ناهمگنی سبک تربیتی والدین» [ولی مادرم از اونایی که از لحاظ اعتقاداتی زیاد قوی نیست کاملاً برعکس بابام] و «نداشتن رضایت زناشویی» [رابطه مامان بابام با هم زیاد گرم و صمیمی‌نیست اصلاً تا حالا ندیدم قربون صدقه هم برن] بود.

شرایط زمینه‌ای کنترل‌گری والدین شامل دو مقوله اصلی تأثیرپذیری والدین از اجتماع و فشارهای فرهنگی حاکم بر آن و اضطراب‌های مالی بود.

الف) **تأثیرپذیری والدین از اجتماع وفشارهای فرهنگی حاکم بر آن** شامل پنج مقوله فرعی «ناامنی جامعه» [البته ما جایی هم زندگی می کنیم که مامان بابام احساس میکنم حق دارند که تا این اندازه بخوان همه چیز منو زیر نظر داشته باشند. چون محیط خیلی وحشتناکه]؛ «تحمیل ارزش‌های آموخته‌شده و نادیده‌گرفتن تفاوت بین نسلی» [کلاً احساس میکنم توی فرهنگ جامعه ما خیلی مهمه که پدر و مادر روی بچه‌ها تسلط داشته باشند]؛ «ترس از به خطر افتادن آبرو» [شغل بابام و مامانم یه جوریه که همیشه میگن آبرو و شغل ما به عملکرد شما بستگی داره]؛ «همرنگی با جماعت» [بابام بشدت تحت تأثیر جو قرار میگیره و فکر میکنم هر از چندگاهی میگیرتش فاز کنترل و بعد ولش میکنه]؛ و «مردسالاری» [توی خونه پدر بزرگم همه چی محدود میشه به تصمیم‌های اون] بود.

ب) **اضطراب‌های مالی** شامل دو مقوله فرعی «وضعیت بد اقتصادی» [بابام از فقر و بدبختی به چیزی که الان داره رسیده ...وضع اقتصادی که داشتیم بد بود و چند ساله یه کم بهتر شدیم]؛ و «ورشکستگی» [بابام از وقتی ورشکست شد اخلاقش کلا تغییر کرد] بود.

شرایط مداخله‌ای کنترل‌گری والدین شامل چهار مقوله اصلی نفوذ و دخالت خانواده مبدأ، وابستگی مالی، مسائل روانشناختی والدین، تعدی به حریم شخصی بود.

الف) **نفوذ و دخالت خانواده مبدأ** شامل سه مقوله فرعی «اثرپذیری والدین از دیگران» [مامان و بابام خیلی از دیگران تأثیر می‌پذیرند]؛ «وابستگی به خانواده مبدأ» [خانواده مهمترین رکن برای مامان و بابای من هست... نمی‌تونم حتی تصور کنم که مامانم از خانواده‌اش جدا بشه و به ما توجه کنه]؛ و «انتقال اضطراب بین نسلی» [یادمه یه وقتی پدربزرگم به بابام می‌گفت حواست باشه بچه‌هات معتاد نشن] بود.

ب) **وابستگی مالی** شامل دو مقوله فرعی «باج دادن مالی» [مامان بابام خیلی روی هزینه‌های من حساسند و فکر می‌کنند چون وضع شون خوبه می‌تونن من رو هم با پول کنترل کنند]؛ و «جلوگیری از استقلال فرزندان» [دلم میخاد دور باشم ازشون و کلاً مستقل باشم، ولی بخاطر خودشونه که نمیزارند من مستقل باشم] بود.

پ) **مسائل روانشناختی والدین** شامل چهار مقوله فرعی «وسواس» [مامان بابای من خیلی وسواس دارند]؛ «اضطراب» [نمیدونم چرا ولی احساس میکنم که والدین من هر دوشون یه مشکل اضطرابی دارند]؛ «نداشتن خودمتمایزسازی» [عقاید والدین من خیلی پوسیده است و بشدت با استرس گرفتن من استرس میگیرند]؛ و «عدم ثبات هیجانی» [واکنشون در مقابل اشتباهاتم خیلی غیرقابل حدس بود. بعضی از وقت‌ها یه اشتباهاتی میکردم که خب توقع اینو داشتم که مثلاً کتک بخورم ولی سکوت کرده‌اند و بعضی وقتا در مقابل اشتباهات من یه واکنش رو نشون می‌دادند که واقعاً من در انتظارم نبود که اصلاً اینجور چیزی می‌تونه اتفاق بیفته] بود.

ج) **تعدی به حریم شخصی** شامل چهار مقوله فرعی «تحمیل عقاید مذهبی» [مامانم خیلی مذهبیه و برای من همیشه از این برنامه‌ها میزاره ولی واقعاً دوست ندارم توی این چیزا باشم]؛ «نادیده گرفتن فردیت» [بابا و مامانم فکر میکنن که اگر برا من هدف‌گذاری کنند

من موفق میشم]؛ «چک کردن مداوم» [والدین من کلاً گوشی منو مال من نمیدونند و مدام دوست دارند چک کنن]؛ و «نبود حریم خصوصی» [چند وقت پیش با مامانم بحثم شد فکر میکنی سر چی؟ سر این که بهش گفتم نباید بدون اجازه وارد اتاق من بشی] بود.

راهبردهای کنترل‌گری والدین شامل چهار مقوله اصلی بهبود روابط والدین و فرزندان، شناسایی الگوهای حمایتی و کنترل‌های مثبت والدین، تحلیل تعاملات والد – فرزند و احساسات و رفتارهای متقابل، توسعه مهارت‌های ارتباطی و تربیتی به منظور پیشگیری از مصرف مواد بود.

الف) **بهبود روابط والدین و فرزندان** شامل پنج مقوله فرعی «تخریب عزت‌نفس» [پدرم کلاً منو به رسمیت نمیشناسه]؛ «حمایت مالی ناایمن» [پول توجیبی‌ام رو همیشه سر بزنگاه‌ها قطع می‌کنند]؛ «محرومیت از دلخوشی‌ها» [والدین من برای رسیدن به خواسته‌های خودشون از هر چیزی استفاده می‌کنند حتی گرفتن گوشی من، من تو یه دورانی از زندگیم تنها دلخوشیم دستگاه ایکس باکسم بود و پدرم این رو به عنوان یک اهرم فشار استفاده می‌کرد]؛«ایجاد ترس و اضطراب» [بابام یه شخصیتی داشت که من خیلی ازش میترسیدم بنابراین تا چهارده–پانزده سالگی بهم زنگ میزد دست و پام میلرزید]؛ و «تنبیه بدنی» [یادم میاد پدرم یه بار یک تابلویی داشت که آیینه‌ای بود من و برادرم بازی میکردیم و توپ خورد تو این آیینه شکست و ایشون به بدترین شکل ممکن منو کتک زد] بود.

ب) **شناسایی الگوهای حمایتی و کنترل‌های مثبت والدین** شامل پنج مقوله فرعی «تجاوز به حریم روابط دوستانه» [همیشه دوستام رو کنترل می‌کنند]؛ «عدم آزادی بیان» [من از لحاظ این که جلوی بابام یا مامانم وایسم خیلی وقت‌ها کم میارم چون میدونم که محروم میشم از همه چیز]؛ «تماس‌های مکرر» [بابام بعضی وقت‌ها بهم زنگ میزنه و سعی میکنه ببینه که من کجام و چیکار میکنم]؛ «جبر حضور در جمع‌های فامیلی» [کلاً افراد بزرگ فامیل خیلی توی خونه ما رفت و آمد می‌کنند و همیشه بابام اصرار داره که من هم توی جمع شون باشم]؛ و «واسطه کردن دیگران» [بابام خیلی برای رسیدن به اهداف خودش از آدم‌های مختلف استفاده میکنه] بود.

پ) **تحلیل تعاملات والد-فرزند و احساسات و رفتارهای متقابل** شامل سه مقوله فرعی «دادن احساس شرم و گناه» [مامان و بابام همیشه از دیگران برای نصیحت من کمک می‌گیرند]؛ «درگیر با هیجانات متناقض» [بزرگ‌ترین چالشم اینه که بین یک دوگانگی رفتار در مورد پدر و مادرم موندم دوست دارم ازشون دل بکنم و قطع رابطه بکنم ولی به همون اندازه که این حس رو دارم، بهشون علاقه هم دارم]؛ و «طرد عاطفی» [ماهی یک بار حداقل دو هفته قهر بودیم با مامانم. اینا باعث می‌شد که من فشار عصبی‌ای روم باشه و یه شکست بود برام یه تجربه عاطفی بود] بود.

ج) **توسعه مهارت‌های ارتباطی و تربیتی به منظور پیشگیری از مصرف مواد** شامل چهار مقوله فرعی «بی‌توجهی» [مامان و بابام همیشه منو با بی‌توجهی‌شون کنترل می‌کنند]؛ «انتقال حس عدم صلاحیت» [به من حق انتخاب داده نمی‌شد چون من رو فاقد صلاحیت در تصمیم‌گیری و هر چیزی میدونستن و به خاطر اینکه بچم‌ام، به من حق انتخاب نمی‌دادند]؛ «دادن احساس بی‌ارزشی» [همیشه از طریق اینکه من یه نقصی دارم منو کنترل کردند، من همیشه احساس کردم که یه چیزی کم دارم]؛ و «توجه مثبت مشروط» [تو هیچ زمینه‌ای یادم نمی‌آد که منو تشویق کرده باشن و اگر هم یک تایمی‌تشویق می‌کردند اصلاً صبر نمی‌کردن واسه اینکه نتیجش رو ببینن، تشویق می‌کردند و توقع اینو داشتن که من در سریع‌ترین زمان ممکن جواب این تشویق و حمایتشون رو بدم] بود.

پیامدهای کنترل‌گری والدین نیز شامل سه مقوله اصلی انسجام خانواده، تقویت مهارت‌های ارتباطی و تنظیم هیجان به منظور پیشگیری از مصرف مواد بود.

الف) **انسجام خانواده** شامل شش مقوله فرعی «گسلش عاطفی یا میل به روابط دوستی» [دوست داشتم همیشه با دوستام باشم]؛ «تجربه پذیرش بی‌قید و شرط خارج از خانواده» [رفیقام خیلی بیشتر و بهتر از خانواده‌ام بهم فرصت خودم بودن رو دادند]؛ «تمایل به زندگی بدون والدین» [پدر و مادر من جوری رفتار می‌کنند که من هیچ حریم خصوصی ندارم و دلم میخاد واقعاً ازشون جدا زندگی کنم]؛ «نبود حریم خصوصی» [پدر و مادر من هیچ درکی از اینکه من هم حریم خصوصی لازم دارم ندارند]؛ «نبود جو عاطفی مثبت در

خانواده» [هیچ احساس مثبتی از زندگی کردن با مامان و بابام دریافت نمی‌کنم]؛ و «میل به رهایی از اسارت خانواده» [خیلی دلم میخواست که از خونه فرار کنم] بود.

ب) **تقویت مهارت‌های ارتباطی** شامل شش مقوله فرعی «ضعف در مهارت‌های ارتباطی و ناتوانی در نه گفتن» [هیچ وقت نتونستم نه بگم]؛ «ناتوانی در ابراز هیجان» [هیچ وقت نتونستم که هیجان خودم رو درست ابراز کنم]؛ «میل به کنترلگری» [توی روابط عاطفی‌ام همش میخام کنترل کنم بقیه رو]؛ «نبود عزت نفس» [این تمایل مامان و بابام به کنترل کردن من باعث شده که اصلاً نتونم با کسی ارتباط برقرار کنم]؛ «تمایل به پیش‌بینی رفتار دیگران» [میلم به این که بخوام رفتار بقیه رو پیش‌بینی کنم خیلی بالاست]؛ و «انزوای اجتماعی» [بزرگ‌ترین بحرانی که من در زندگیم باهاش مواجه شدم و مواجه هستم مورد تأیید و پذیرش نبودنه که باعث شده هیچ وقت خودم رو به هیچ گروه و اجتماعی متعلق نمی‌دونم] بود.

پ) **تنظیم‌هیجان** شامل شش مقوله فرعی «میل به رفتارهای پرخطر برای هیجان‌خواهی» [هر نوع موادی رو که بگید از همون نوجوانی زدم و امتحان کردم]؛ «عدم مرزبندی در روابط» [همیشه دوست دارم دیگران رو بتونم به سمت این بیارم که راحت رفتار کنند]؛ «ابراز منفعلانه هیجان» [مامان و بابای من کاملاً سعی کردن منو جوجه ماشینی بار بیارن ولی من با مواد تونستم جبران کنم این کارهاشون رو]؛ «باور به عدم آسیب‌پذیری خود» [من فکر می‌کردم که هیچ‌وقت درگیر نمیشم با مواد ولی خب شدم]؛ «پرخاشگری» [سروصدای من خیلی زیاده و مدام دوست دارم که خشم و اضطرابم رو بریزم بیرون]؛ و «ناتوانی در حل مسئله کارآمد» [کلاً غمگینم و افسرده و دلم میخاد مواد بزنم که شاد باشم] بود.

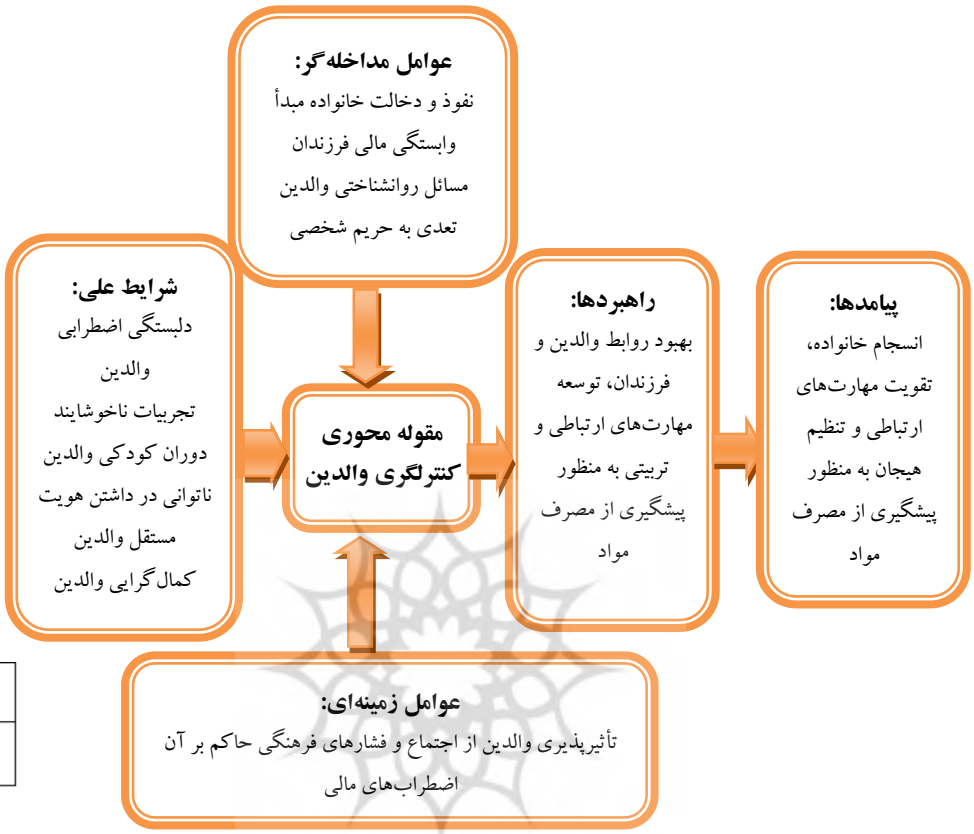

شکل ۱: مدل پارادایمی کنترلگری والدین در اعتیاد

سال نوزدهم، شماره ۷۵، بهار ۱۴۰۴
Vol. 19, No. 75, Spring 2025

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی کیفی الگوی کنترل والدین براساس نظریه انتخاب گلاسر در جوانان مصرف‌کننده مواد انجام شد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که میان کنترل والدین و اعتیاد فرزندان رابطه وجود دارد. یکی از جنبه‌های مهم رفتار والدین اقتدار در مقابل خودمختاری ذاتی و غریزی فرزندان است. والدینی که قاطعیت همراه با محبت و اعتماد به توانمندی‌های فرزندشان دارند در تربیت فرزندان موفق‌ترند، زیرا نیاز به استقلال و گرایش به خودمختاری، یک نیاز فطری و طبیعی است که وقتی والدین در تقابل با آن قرار می‌گیرند در واقع به فرزندانشان اعلام جنگ می‌کنند. در بسیاری از افرادی که سابقه

مصـــرف مواد داشـــتند ســـوءرفتار والدین در دوران کودکی دیده می‌شـــد که یکی از مشـخصـه‌های بارز این سـوءرفتار کنترل‌گری والدین به شـیوه‌های مختلف بود. در نهایت، فرزندانی که در دامان چنین خانواده‌هایی تربیت می‌شوند با پیامدهایی از جمله اضطراب و شرم، دسته و پنجه نرم می‌کنند که خود زمینه‌ساز انبوهی از آسیب‌های روانی اجتماعی از جمله مصرف مواد مخدر و غیره می‌باشد.

تعاملات والد-کودک و واکنش‌های والدین به عنوان مراقبین اصـلی نقشـی اسـاسـی در شکل‌گیری سبک دلبستگی و مدل ارتباطی کودک با خود و دیگری ایفا می‌کند. از طرفی والدین با سـبک دلبسـتگی اضـطرابی به دلیل نگرانی‌های افراطی بابت هر چیزی مسـتعد کنترل‌گری بیشتر هستند. این کنترل‌گری که اکثر مواقع به شکل مراقبت‌های بیش از اندازه ظاهر می‌شـود کودک را درگیر احسـاس ناتوانی و اضـطراب می‌کند و همین ریسـک مصـرف مواد را در فرد افزایش می‌دهد (بروئر[1]، ۲۰۱۷؛ ادحیامبو[2] و همکاران، ۲۰۲۰). از طرف دیگر، نتیجه رابطه ناسـالم و الگوهای مخرب کنترل‌گری در خانواده و تجربیات ناخوشایند دوران کودکی می‌تواند شکل‌گیری زمینه‌های کنترل‌گری در فرد به‌عنوان والد در آینده را رقم زند (سیگل و هارتزل[3]، ۲۰۱۳).

همچنین ناتوانی در داشـتن هویت مسـتقل والدین به عنوان یکی از یافته‌های پژوهش حاضر با مفهوم توده نامتمایز من خانواده در نظریه بوئن همسو می‌باشد. به عبارتی، هر چه سطح آمیختگی افراد در توده من خانواده بیشتر باشد، درهم‌تنیدگی عاطفی بیشتر و حالت ناخوشـایند نزدیکی مفرط نیز پیامد آن می‌باشـد. افراد خانواده در این حالت با وضـعیت فقدان مفهوم خویشـتن مسـتحکم مواجه می‌شـوند و چون در این حالت عقاید و باورها، ارزش، کیسـتی و رفتار من بی‌معنی اسـت، پس فرد در طول زندگی برای هر مسـئله‌ای باورهای از پیش تعیین شده‌ای دارد که این موضوع خود نمود بارزی از کنترل‌گری است (بشرپور و همکاران، ۱۳۹۹).

1. Brewer
2. Odhiambo
3. Siegel & Hartzell

مقوله کمال‌گرایی والدین در پژوهش حاضـــر با پژوهش رحیمی و همکاران (۱۳۹۵) همسو می‌باشد. والدین کمال‌گرا که فرزندان خود را به عنوان یکی از دستاوردهای زندگی خود در نظر می‌گیرند با وضـــع معیارهای عالی برای آن‌ها و به دنبال بی‌نقص‌گرایی در جستجوی کسب تأیید دیگرانند و نسبت به انتقاد درباره فرزندانشان به شدت حساسند. در نتیجه، ترس از عدم کفایت در تربیت فرزندان و عدم تأیید دیگران باعث می‌شـــود والدین کمالگرا در برخورد با فرزندان خود کنترلگری بیشتری اعمال کنند.

تعارضـــات زناشـــویی والدین می‌تواند بر امنیت عاطفی کودک و کیفیت روابطش با دیگران تأثیر بگذارد و حتی منجر به نقص رابطه کودک با خودش شـــود (بشـــرپور و همکاران، ۱۳۹۹). در ریشـــه‌یابی علت بیش‌حمایتگری و کنترل والدین می‌توان به دنبال سردی ارتباط زناشویی بود، چرا که گاهی اختلاف و سردی در ارتباط زناشویی والد را به ســـمت برقراری ارتباط عاشـــقانه و بیش‌حمایتگرانه با کودک ســـوق می‌دهد. معمولاً این اتفاق بیشتر برای مادر رخ می‌دهد، گویی مادر کودک را جایگزین همسرش کرده و مهر و محبتی مضاعف را نثار فرزندش می‌کند تا جایی که در بسیاری موارد مادر جای خوابش را تغییر می‌دهد و به بهانه‌های مختلف کنار فرزندش می‌خوابد. اتفاق تلخ این اســـت که مادر به صـــورت ناهشـــیار در قبال محبت و بیش حمایتگری خود از کودک توقع دریافت توجه و محبت را دارد که قطعاً به آن نخواهد رســـید. در نتیجه، همزمان با ابراز محبت افراطی خشمی‌شدید درون مادر نسبت به فرزندش شکل می‌گیرد که عموماً نسبت به آن ناآگاه است و این خشـم ناهشـیار رابطه‌اش را با کودک تحت تأثیر قرار می‌دهد. تلخ‌تر از همه این‌ها ایجاد احســـاس گناه ناهشـــیار در کودک اســـت. کودکی که بیش از حد مورد توجه و حمایت مادر است و قطعا علت آن را نمی‌داند خود را مدیون مادر دانسته و ناهشیار به سمت جبران می‌رود و این حس گناه می‌تواند گرایش به مصرف مواد و آسیب به خود را افزایش دهد.

تأثیرپذیری والدین از اجتماع و فشارهای فرهنگی حاکم بر آن و اضطراب‌های مالی به عنوان عامل زمینه‌ای در این پژوهش شـــناســـایی شـــد که هرکدام به ترتیب با نتیجه پژوهش‌های نیک‌خواه و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان مطالعه جامعه شـــناختی ارزش‌های بین

نسلی و در پژوهش ملکیها و عکافیان (۱۳۹۹) با عنوان بررسی اثربخشی حکایت‌درمانی مالی بر اضطراب مالی زنان شاغل همسو بود.

نفوذ و دخالت خانواده مبدأ به عنوان یکی از عوامل مداخله‌گر حاکی از آن است که در خانواده‌هایی که مرزهای روشن و شفافی برای هریک از اعضای خانواده وجود ندارد و میزان درهم آمیختگی مرزها بسیار زیاد می‌باشد، خانواده کارکرد سالم خود را از دست می‌دهد. در واقع، هر چه میزان عدم تفکیک بین خرده نظام‌های خانواده و درهم‌تنیدگی مرزهای آن‌ها بیشتر باشد، میزان کنترل‌گری خرده‌نظام‌ها در این خانواده‌ها نیز بیشتر خواهد بود (کرمانیان و همکاران، ۱۴۰۲).

در مقوله وابستگی مالی والدین کنترل‌گر تمام تلاش خود را در زمینه حفظ وابستگی مالی فرزند خود به‌کار می‌برند و از استقلال مالی او جلوگیری می‌کنند. باور این والدین بر این است که در صورت داشتن استقلال مالی فرزند، کنترل خود بر انتخاب‌های دیگر او را از دست می‌دهند. در این شرایط میزان وابستگی مالی در میزان کنترل وارد شده از طرف والدین تأثیرگذار است.

مسائل روان‌شناختی والدین به عنوان یکی از عوامل مداخله‌گر در پژوهش حاضر معرفی شده است. والدینی که به لحاظ هیجانی غایب، مزاحم و آشفته هستند مشکلات بین‌فردی زیادی دارند که این مسائل در ارتباط با فرزندشان نیز نمود پیدا کرده و در رشد روان‌شناختی او اختلال ایجاد می‌کند، چرا که کودکان در سایه شخصیت والدین و سبک‌های فرزندپروری مقبول آن‌ها زندگی می‌کنند و این ویژگی‌های والدین تأثیر حیاتی بر بهداشت روانی او دارد (امیرآفتابی و همکاران، ۱۴۰۳). مسائل روانشناختی والدین در میزان کنترل‌گری و پیامدهای ناشی از آن تأثیرگذار است.

مقوله بعدی در عوامل مداخله‌گر کنترل‌گری والدین تعدی به حریم شخصی می‌باشد که با مفهوم بدکاری خانواده در رویکرد ساخت‌نگر در خانواده درمانی به سبک مینوچین همسو می‌باشد یکی از انواع ساختار خانوادگی بدکار خانواده‌های درهم تنیده است که این خانواده نمی‌تواند زمینه‌ساز رشد اعضای خود باشد، چرا که در این خانواده‌ها تفاوت‌های فردی، نیازها، مرزها و هدف‌گذاری مستقل فرزندان نادیده گرفته می‌شود و

والدین نمی‌توانند خود را با آن‌ها وفق دهند و در پاسخ به آن‌ها پاسخ‌های قالبی از پیش تعریف شده و منسوخ می‌دهد (راست‌گفتار و خدادادی، ۱۴۰۳). این موضوع آن‌ها را تحت فشار قرار داده و احتمال گرایش به مصرف مواد را افزایش می‌دهد. محرومیت و تنبیه، توسل به زور و اجبار و گرفتن آزادی و اختیار شخصی، سوءاستفاده عاطفی، غفلت و مسامحه نسبت به نیازهای اساسی از راهبردهای مورد استفاده والدین برای کنترل فرزندان بود که هرکدام به‌صورت جداگانه آسیب‌هایی به‌همراه دارد که می‌تواند زمینه‌ساز اعتیاد شود.

گسلش عاطفی به عنوان اولین پیامد کنترل‌گری والدین در پژوهش حاضر بود. در برخی از خانواده‌هایی که والدین کنترل‌گرند، سطح بالایی از اضطراب توسط اعضای خانواده تجربه می‌شود. در این خانواده‌ها از فرزندان با اعمال کنترل بیشتر به عنوان ابزاری جهت کاهش اضطراب سیستم خانواده استفاده می‌شود. در این شرایط، فرزندان به دنبال راهی برای فرار از پیوندهای عاطفی حل نشده هستند و از راهبردهایی بر مبنای دوری‌گزینی از خانواده استفاده می‌کنند که نمودی از گسلش عاطفی در خانواده است. بنابراین، هر چه در هم‌تنیدگی و عدم رعایت مرزهای بین والدین و فرزندان بیشتر باشد، احتمال گسلش عاطفی نیز بیشتر می‌شود (اصل دهقان و همکاران، ۱۳۹۵). قطع ارتباط عاطفی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر بهزیستی روان‌شناختی یک جوان و توانایی آن‌ها در ایجاد روابط سالم داشته باشد. فقدان ارتباط عاطفی با والدین آن‌ها می‌تواند منجر به احساس تنهایی، اعتماد به نفس پایین و مشکل در اعتماد به دیگران شود. در نتیجه، این افراد ممکن است برای ایجاد و حفظ ارتباطات معنی‌دار با همسالان، معلمان یا دیگر شخصیت‌های مهم زندگی خود تلاش کنند. در این شرایط، جوانان ممکن است به استفاده از مواد مخدر به عنوان یک مکانیسم مقابله‌ای برای کاهش ناراحتی عاطفی ناشی از احساس قطع ارتباط و انزوا روی آورند. استفاده از مواد می‌تواند به طور موقت به رهایی از احساسات منفی منجر شود و وسیله‌ای برای فرار آنان از مشکلات باشد اما به مسائل اساسی قطع ارتباط عاطفی و چالش‌های رشد شخصی نمی‌پردازد.

در توضیح مقوله ضعف در مهارت‌های ارتباطی، از آنجایی که فرزندان در خانواده‌هایی با والدین کنترلگر به دلیل قانون‌گذاری یک طرفه والدین و منع و محرومیت فرزندان از تجربیات گوناگون از خزانه تجربی عاطفی و رفتاری کمی برخوردارند، بستر مناسبی برای پرورش انواع مهارت‌های ارتباطی فراهم نمی‌باشد که این موضوع بر عملکرد اجتماعی آن‌ها و میزان موفقیت‌های اجتماعی تاثیرگذار است. در نتیجه، جوانان ممکن است برای توسعه مهارت‌های ارتباطی قوی از جمله توانایی بیان افکار، احساسات و نیازهای خود به طور مؤثر و همچنین درک و پاسخ به دیدگاه‌های دیگران دچار مشکل شوند. این ارتباط ناکافی می‌تواند منجر به سرخوردگی عاطفی و انزوا شود، زیرا افراد ممکن است ارتباط با دیگران و ایجاد روابط معنادار را دشوار بدانند. در این شرایط نیز جوانان ممکن است به استفاده از مواد به عنوان یک مکانیسم مقابله‌ای برای کاهش ناراحتی عاطفی ناشی از ناتوانی در برقراری ارتباط موثر و ایجاد ارتباطات قوی روی بیاورند. استفاده از مواد مخدر به عنوان مکانیزم مقابله‌ای به مسائل اساسی مهارت‌های ارتباطی ضعیف و ناراحتی‌های عاطفی رسیدگی نمی‌کند و یک چرخه معیوب ایجاد می‌کند که ممکن است خطر اعتیاد و سایر پیامدهای منفی را افزایش دهد.

عدم تنظیم‌هیجان نیز با پژوهش باقری و همکاران (۱۴۰۱) همسو می‌باشد. تنظیم هیجان یکی از مؤلفه‌های اساسی در سلامت روان فرد و سازگاری با وقایع پراسترس زندگی روزمره است و به فرایند تجربه هیجان، ارزیابی، بازبینی و اصلاح هیجانات در موقعیت‌های مختلف اشاره دارد. عدم تنظیم هیجان به معنی این است که فرد کنترلی بر نحوه تجربه و ابراز هیجان خود ندارد. در چارچوب تئوری انتخاب، کنترل بیرونی والدین می‌تواند به اختلال در تنظیم هیجان در کودکان کمک کند. هنگامی که والدین کنترل بالایی بر فرزندان خود اعمال می‌کنند می‌تواند فرصت‌های آن‌ها را برای توسعه خودمختاری و یادگیری نحوه تنظیم احساسات خود محدود کند. این ممکن است منجر به این شود که کودکان به جای ایجاد مکانیسم‌های مقابله‌ای درونی سالم، به عوامل خارجی مانند مصرف مواد برای تنظیم احساسات خود متکی باشند. بدین صورت که افراد با مهارت‌های تنظیم هیجانی ضعیف ممکن است به مصرف مواد به عنوان راهی برای فرار، بی‌حس کردن یا

مدیریت احساسات خود روی آورند. مصرف مواد مخدر می‌تواند به طور موقت ناراحتی عاطفی را تسکین دهد، اما در نهایت منجر به مشکلات عاطفی و رفتاری بیشتر می‌شود. بنابراین، در چنین خانواده‌هایی بستری برای اعتباربخشی و تجربه امن هیجانات برای فرزندان نیز فراهم نمی‌باشد. این امر می‌تواند موجب گرایش این فرزندان به مصرف مواد مخدر جهت تجربه هیجانات سرکوب شده در بستری دیگر شود.

تمامی موارد ذکرشده در بالا همسو با نظریه انتخاب گلاسر است که بیان می‌کند کنترل بیرونی به عنوان یک عامل تخریب‌کننده برای روابط انسانی است. این ویژگی کنترل‌گری منجر به یکسری پیامدها در خانواده می‌شود که یکی از آن ها تعارضات والد-فرزندی می‌باشد. در نظام کنترل بیرونی والدین باور دارند می‌توانند فرزندان را با اجبار به سمت رفتارهای خاصی هدایت کنند، اما این سبک کنترل‌گری به عنوان مانعی در جهت برآوردن صحیح نیازها و خواسته‌های فرزندان عمل کرده و رشد مسئولیت‌پذیری را در آنان با مشکل مواجه می‌کند. به‌عبارت دیگر، وقتی رفتارهای فرزندان انعکاس خواسته‌ها و تصاویر دنیای مطلوبشان است، فشار و اجبار بیرونی برای تغییر رفتار چه معنایی می‌تواند داشته باشد. کنترل بیرونی فرزندان را به مقاومت وامی دارد، ایجاد تعارض کرده و از طریق تخریب رابطه با والدین فرآیند برآورده شدن نیازها را با مانع روبرو می‌کند.

به طورکلی، نتایج نشان می‌دهد که کنترل‌های سخت و غیرمؤثر والدین می‌تواند تأثیرات منفی عمیقی بر سلامت روانی و اجتماعی فرزندان داشته باشد. به ویژه، فرزندان خانواده‌هایی که تحت فشارهای کنترل‌گرانه قرار دارند بیشتر در معرض مشکلاتی نظیر اعتیاد قرار می‌گیرند. زمانی که نوجوانان از داشتن روابط مناسب با والدین ناامید می شوند تمایل خود به احساس خشنودی را رها نکرده و سعی می‌کنند آن را از طریق خشونت و مصرف مواد مخدر بدست آورند.

همچنین، این نتایج تبیین‌کننده مشکلاتی است که خانواده ها با مسأله مصرف مواد در نوجوانان دارند و آن ها را به دریافت کمک‌های روان‌شناختی و مشاوره‌ای سوق می دهد. با عنایت به نقش مهم این پیامدها در سلامت روانی فرد و جامعه می‌توان به خانواده ها تئوری انتخاب را آموزش داد و آنان را تشویق کرد تا در فرآیند تربیت فرزندان خود به

جای الگوهای کنترل سخت و غیرمؤثر از روش‌های تشویقی و حمایتی استفاده کنند. بهبود روابط والد – فرزندی، توسعه مهارت‌های ارتباطی و تربیتی راهبردهای مؤثری جهت پیشگیری از مصرف مواد نوجوانان می باشد. همچنین، برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین در زمینه مدیریت روابط خانوادگی و کاهش رفتارهای کنترل‌گرانه می‌تواند به پیشگیری از مشکلات اعتیاد در جوانان کمک کند و در صورت لزوم، والدین با کمک متخصصین مربوطه و شرکت در جلسات روان‌درمانی به بررسی ریشه الگوهای مخرب کنترل‌گری خود در مسیر فرزندپروری پرداخته و جهت ترمیم رابطه بکوشند.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجه بود که می‌تواند بر نتایج آن تأثیر بگذارد. یکی از این محدودیت‌ها اندازه کوچک نمونه (فقط ۱۰ نفر) است که ممکن است نتایج را به طور کامل نمایان نکند. تحلیل داده‌ها در پژوهش‌های کیفی تا حد بسیار زیادی وابسته به دیدگاه پژوهشگر است. از این‌رو، کدگذاری‌ها و مقولات می‌توانند متاثر از نگاه پژوهشگر باشند. همچنین، استفاده از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته ممکن است باعث بروز سوگیری در پاسخ‌ها شود، زیرا شرکت‌کنندگان ممکن است تمایل داشته باشند نظرات خود را مطابق با انتظارات اجتماعی بیان کنند. در نهایت، تمرکز بر یک منطقه جغرافیایی خاص (یزد) می‌تواند تنوع فرهنگی و اجتماعی را نادیده بگیرد و بر این اساس، نتایج ممکن است در مناطق دیگر قابل تعمیم نباشد.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به بررسی تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بر الگوهای کنترل والدین و نحوه شکل‌گیری آن‌ها بپردازند تا راهکارهای مؤثرتری برای ارتقاء سلامت روانی جوانان ارائه شود. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در دیگر شهرها و با دیگر نمونه‌ها برای بررسی روایی و پایایی پژوهش اجرا گردد. همچنین، پژوهش‌های کمی‌جهت تطبیق نتایج پژوهش انجام شود و در راستای دقت بیشتر نتایج، با استفاده از مفاهیم بدست آمده، مقیاسی در جهت سنجش کنترل‌گری والدین بصورت بومی طراحی و ساخته شود.

تشکر و قدردانی

نویسندگان از همه شرکت‌کنندگانی که ما را در این پروژه یاری کردند تشکر می‌کنند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

رضایت شرکت‌کنندگان بر اساس تکمیل پرسش‌نامه و دریافت تمام اطلاعات مربوط به تحقیق، از جمله اهداف تحقیق، ناشناس بودن، مشارکت داوطلبانه و داشتن فرصت برای طرح سؤالات به دست آمد. آنها در هر زمان می‌توانستند بدون ذکر دلیل و بدون هیچ هزینه یا پیامدی از تحقیق خارج شوند.

حامی مالی

این مقاله از طرف هیچ‌گونه نهاد یا مؤسسه‌ای حمایت مالی نشده است.

مشارکت نویسندگان

تمامی نویسندگان در نگارش این مقاله به طور یکسان مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد .

منابع

اصل دهقان، فاطمه؛ رضاییان، حمید و حسینیان، سیمین (۱۳۹۵). پیش‌بینی تمایزیافتگی و سبک دلبستگی دانش‌آموزان دبیرستانی براساس انعطاف‌پذیری خانواده، تمایزیافتگی و سبک دلبستگی والدین. *فصلنامه علمی-پژوهشی خانواده و پژوهش*، *۱۳* (۳)، ۱۳۰-۱۰۹.

امیرآفتابی، سیدعلیرضا و فرخزاد، پگاه (۱۴۰۳). پیش‌بینی نشانگان اختلال شخصیت نمایشی دانشجویان براساس سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های شخصیتی والدین. *رویش روان شناسی*، *۱۳* (۳)، ۱۰۰-۹۳.

باقری شیخانگفشه، فرزین؛ حاجی علیانی، وحید و حسنی، جعفر (۱۴۰۱). نقش راهبردهای تنظیم هیجان در سلامت روانی طی همه‌گیری کروناویروس ۲۰۱۹ (کووید-۱۹): یک مطالعه مروری سیستماتیک. *اطلاع‌رسانی پزشکی نوین*، *۸*(۲)، ۲۰۷-۱۹۶.

بشرپور، سجاد؛ احمدی، شیرین و حیدری، فاضله (۱۳۹۹). مدل‌یابی اعتیاد به اینترنت بر اساس حساسیت بین‌فردی و تعارض زناشویی والدین با میانجی‌گری کنترل هدفمند در دانش‌آموزان شهر اردبیل در سال تحصیلی ۱۳۹۹: یک مطالعه توصیفی. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، *۱۹* (۱۰)، ۱۰۷۰-۱۰۵۳.

راست گفتار، ثمین و خدادادی، جواد (۱۴۰۳). پیشایندها و پیامدهای سازگاری زناشویی در زوجین راضی از زندگی زناشویی. *فصلنامه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، *۱۹*(۶۶)، ۱۱۰-۷۹.

رحیمی، سجاد؛ علی‌نژاد، مهدی و عباداله‌زاده، مهدی (۱۳۹۵). *بررسی رابطه کمال‌گرایی والدین با پیشرفت تحصیلی فرزندان*. کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری.

کرمانیان، سحر؛ گلشنی، فاطمه؛ باغداساریانس، آنیتا و جمهری، فرهاد (۱۴۰۲). تدوین مدل ساختاری خودشیفتگی براساس تروماهای اوایل زندگی، عملکرد خانواده و شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده مادر با میانجیگری دشواری تنظیم هیجان و کمال‌گرایی. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، *۱۳*(۵۰)، ۱۰۹-۹۳.

معرفت، محمد و نامدارپور، فهیمه (۱۴۰۱). گرایش به مواد مخدر بر اساس الگوی مهارتهای ارتباطی و تنظیم هیجانی با میانجیگری نقش حمایتی خانواده. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۲۰(۳)، ۴۱۰-۴۰۱.

ملکیها، مرضیه و عکافیان، یکتا (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی حکایت درمانی مالی بر اضطراب مالی زنان شاغل. *پژوهش‌های روان‌شناختی در مدیریت*، *۶*(۱)، ۱۳۳-۱۰۹.

نیک‌خواه، هدایت‌الله؛ ظهیری‌نیا، مصطفی؛ بهروزیان، بهروز و فلاحی، احمد (۱۳۹۷). مطالعه جامعه‌شناختی ارزش‌های بین نسلی (مطالعه موردی: ساکنان شهرستان رودبار جنوب بر اساس نظریه زمینه‌ای). *جامعه‌شناسی نهاد های اجتماعی*، *۵*(۱۱)،۳۸۹-۳۲۰.

References

Aslan, B., & Önal, Ö. (2024). A systematic review of research on illicit substance use and a meta-analysis of its prevalence among college students in Türkiye. *Journal of Ethnicity in Substance Abuse*, 1-35.

Brewer, B. R. (2017). *How parenting style relates to adolescent substance abuse in an at-risk male population*. University of Southern Mississippi.

Davoodi Dehaghani, E. (2022). Disciplinary Management Approaches in the Prevention of Substance-Dependent Women's Crimes. *Scientific Quarterly Research on Addiction*, *16*(65), 181-204.

Fagan, A. A., Van Horn, M. L., David Hawkins, J., & Jaki, T. (2013). Differential effects of parental controls on adolescent substance use: For whom is the family most important? *Journal of Quantitative Criminology*, *29*(3), 347-368.

Ghobadi, M., Kazemnezhad Leili, E., Jafari Asl, M., & Shafipour, S. Z. (2020). The relationship between social skills and attitude towards substance abuse among high school students. *Journal of Holistic Nursing and Midwifery*, *30*(3), 151-158.

Glasser, W. (2019). *Reality/Choice Theory*. Contemporary Case Studies in School Counseling.

Hassanzadeh, J., & Jafarnezhad, A. (2024). The process of validating a persian version of addiction potential scale for children in the Iranian population: a systematic review. *Addiction & Health*, *16*(2), 140-151.

Inguglia, C., Costa, S., Ingoglia, S., Cuzzocrea, F., & Liga, F. (2022). The role of parental control and coping strategies on adolescents' problem behaviors. *Current Psychology*, *41*(3), 1287-1300.

Khaledian, M., Shahmoradi, S., & Madani, Y. (2023). Explaining the process of formation of marital infidelity in women with addicted spouses. *Scientific Quarterly Research on Addiction*, *17*(67), 197-228.

Khani Jeihooni, A., Amirkhani, M., Rakhshani, T., Hasirini, P. A., & Jormand, H. (2021). Factors associated with suicidal ideation in drug addicts based on the theory of planned behavior. *BMC Psychiatry*, *21*(1), 372.

Martins, M. V., Formiga, A., Santos, C., Sousa, D., Resende, C., Campos, R., ... & Ferreira, S. (2020). Adolescent internet addiction–role of parental control and adolescent behaviours. *International Journal of Pediatrics and Adolescent Medicine*, *7*(3), 116-120.

Odhiambo, O. D., Sifuna, D. N., & Kombo, D. K. (2020). Influence of Parenting Style on Drug Abuse among Girls in Secondary Schools in Nakuru County. *Journal of Humanities and Social Science*, *25*(1), 26-35.

Panahi, S., Seifi, H., Garousi, A., Eghbalpour, F., & Noroozi Fard, A. (2024). Impact of Life Skills Education on Changing Attitudes toward Substance Abuse and Promoting Healthy Lifestyle Behaviors in Female Students. *Razavi International Journal of Medicine*, *12*(2), e1302.

Pelham III, W. E., Tapert, S. F., Gonzalez, M. R., Ahiarakwe, U., Patel, H., Davis, I. S., Meruelo, A. D., Van Rinsveld, A. M., Marshall, A. T., & Dick, A. S. (2024). How does parental monitoring reduce adolescent substance use? Preliminary tests of two potential mechanisms. *Journal of Studies on Alcohol and Drugs*, *85*(3), 389-394.

Pettenon, M., Kessler, F. H. P., Guimarães, L. S., Pedroso, R. S., Hauck, S., & Pechansky, F. (2014). Perceptions of parental bonding in freebase cocaine users versus non-illicit drug users. *Indian Journal of Medical Research*, *139*(6), 835-840.

Rashidian S, Panaghi L, sadat seyed Mousavi P (2022). Prediction of Substance Use Tendency based on Outcome Expectancies, Parental Monitoring, and Resistance to Peer Influences. *Scientific Quarterly Research on Addiction*, *16*(65), 7-26.

Shakeri, J., Ahmadi, S. M., Maleki, F., Hesami, M. R., Moghadam, A. P., Ahmadzade, A., Shirzadi, M., & Elahi, A. (2020). Effectiveness of group narrative therapy on depression, quality of life, and anxiety in people with

amphetamine addiction: A randomized clinical trial. *Iranian Journal of Medical Sciences*, *45*(2), 91-99.

Shek, D. T., Zhu, X., Dou, D., & Chai, W. (2020). Influence of family factors on substance use in early adolescents: A longitudinal study in Hong Kong. *Journal of Psychoactive Drugs*, *52*(1), 66-76.

Siegel, D. J., & Hartzell, M. (2013). *Parenting from the inside out: How a deeper self-understanding can help you raise children who thrive*. Penguin.

Trucco, E. M. (2020). A review of psychosocial factors linked to adolescent substance use. *Pharmacology Biochemistry and Behavior*, *196*, 172969.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی